

## نقشه راه و مدل عملیاتی اخلاق و معنویت در گام دوم انقلاب اسلامی

محمود پاکیزه<sup>۱</sup>

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

یکی از مؤلفه‌های مهم تمدن اسلامی، معنویت و اخلاق است که حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) در بیانیه گام دوم انقلاب به آن پرداخته است. برای بار یافتن به بارگاه معنویت و اخلاق و نیز تقویت روحیه معنوی و اخلاقی جامعه، گریزی جز ارائه نقشه راه و کالک عملیاتی نیست. با توجه به اهداف کوتاه مدت و بلندمدت انقلاب اسلامی، می‌توان استراتژی (راهبرد) نظام اسلامی را به دو فاز اصلی و فرعی (دم‌دستی و دوردست) تقسیم کرد.

راهبرد کلان و اصلی نظام اسلامی برای ارتقاء معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی، گفتمان‌سازی معنویت است که در پنج گام شناسایی و شناساندن ارزش، تبدیل آگاهی به معرفت عمومی، تبدیل معرفت به باور عمومی و تبدیل باور به رفتار امکان اجرا دارد. راهبردهای فرعی برای ارتقاء معنویت عبارتند از: تقویت بنیه دینی با خودسازی، کادرسازی و تقویت نظام آموزشی با ترسیم نقشه جامع آموزش و پرورش. برآمده از این راهبردها و برای رسیدن به اهداف فرهنگی و معنوی انقلاب اسلامی، راهکارهایی چند ارائه می‌شود؛ نبرد نامتقارن فرهنگی، مسیریابی چشمه‌ای، ارائه الگوی عملی معنویت اصیل، انقلاب مستمر، حذف پارازیت‌ها و شاخص‌سازی مفاهیم معنوی.

### واژگان کلیدی

معنویت، اخلاق، گام دوم انقلاب، گفتمان‌سازی، شاخص‌سازی



## ۱. بیان مسئله

(أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ؟ قُلْ: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ) (زمر: ۹)؛ «آیا [انسان بی اعتقاد برابر است با] آن کس که در ساعت‌های شب، پیوسته مشغول نماز و سجده است و از عذاب آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگار خویش امیدوار؟ بگو: آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند، با یکدیگر برابرند؟ و جز خردمندان کسی پند نتواند گرفت».<sup>۱</sup>

پدیده انقلاب نه مقطعی تاریخی و پایان‌پذیر، بلکه حرکتی مستمر و پیش‌رونده به سوی افقی مشخص برای اتصال به جریان عظیم موعود است. چنین حرکتی نیازمند جریان‌سازی مستمر، صبر و استقامت و پافشاری بر آرمان‌ها و تقویت معنوی است.

بیانیه گام دوم انقلاب - که از سوی ولی خدا ارائه شده است و شاخصی روشن در ادامه روند انقلاب اسلامی است - از «تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان، با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر» خبر می‌دهد. بهترین دفاع در عرصه هجمه فرهنگی و نفوذ معنوی دشمن - نفوذی که سبب تضعیف عزت اسلامی است - عملکرد فعال به جای عملکرد منفعل و مواجهه فعال و «انقلاب مستمر» است. باید معنویت از قلعه‌ها بجوشد و بر دامنه‌ها ببارد. پیام‌های معنوی پرتکرار و به تعبیرها و شیوه‌های گوناگون بر جان‌آحاد جامعه بنشیند و معنویت به گفتمان روز بدل شود.

رسیدن به جامعه معنوی با مردمی متخلق به اخلاق اسلامی و پایبند به اصول انسانی، خواهان رویه‌ای مناسب، نقشه‌ای درخور و مدل عملیاتی دقیق است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این دغدغه نگاشته شده است. سؤال پژوهش این است: «طرح عملیاتی پیشنهادی برای جریان‌سازی معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟»

۱. و نیز: وَمَنْ كَانَ مَنِيًّا فَأَحْبِبْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؟ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (أنعام: ۱۲۲)؛ «آیا آن کس که آدل او آ مرده بود، ما زنده‌اش کردیم آبه ایمان آ و برای او نوری آاز علم و حکمت آ قرار دادیم که با آن در میان مردمان راه می‌رود، با کسی برابر است که در تاریکی‌ها جای دارد و به بیرون آن راه نمی‌برد»

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. معنویت

در لغت واژه معنویت از ریشه «عنی» گرفته شده و واژه «معنا» نیز از همین خانواده است. برای معنای لغوی «معنا» معانی‌ای از این دست آمده است: مفهوم آنچه واژه یا ترکیب یا جمله بر آن دلالت دارد، منظور، مقصود، غایت، و اهمیت و ارزش و اعتبار (انوری، ۱۳۸۱، ج ۷: ۷۱۸۳؛ حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۱۲؛ علی‌زمانی، ۱۳۸۶: ۵۹). برای نمونه، در تعبیر «معنای زندگی» در صورتی که «معنا» به مفهوم ارزش، اهمیت و اعتبار لحاظ شود، مفهوم این پرسش که «آیا زندگی معنا دارد؟» این است که آیا زندگی ارزش [زیستن] دارد یا ارزش [زیستن] ندارد؟

«معنوی» [منسوب به معنی] حقیقی، باطنی و روحانی را گویند، در برابر صوری و مادی؛ پس، هر آنچه راجع به باطن شخص و روح او باشد را شامل می‌شود. شاید بتوان گفت هر آنچه با روح و باطن و جهات عالی و انسانیت انسان در ارتباط باشد، «معنوی» نامیده می‌شود و «معنویت»، مصدر جعلی از آن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه معنوی؛ معلوف، ۱۳۸۵: ذیل واژه عنی).

مفهوم اصطلاحی معنویت در فرهنگ دینی مشخص می‌شود. تعبیر علامه طباطبایی از معنویت، «کمالات درونی» انسان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۶۷) و شهید مطهری معنویت را معادل «هرچه درونی و باطنی برای انسان است» می‌داند (مطهری، نرم‌افزار، ج ۱۳: ۳۷۶) و جنبه روحی و ملکوتی‌ای که انسانیت انسان از آن ناشی می‌شود را جنبه معنوی انسان می‌نامد (مطهری، نرم‌افزار، ج ۳: ۵۱۵). علامه حسینی طهرانی معنویت را این‌گونه تفسیر می‌نماید: «معنویت، حالت روحانیت و سبکی و نورانیت روحی است که امکان تقرب به خدای سبحان را برای انسان فراهم می‌آورد» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸ ق: ۲۰۳). امام خامنه‌ای<sup>(مدظله)</sup> تعبیر ساده‌ای را در تفسیر معنویت برگزیده است: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه است» (فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب).

بدین بیان، مراد از معنویت، قابلیت و قدرت بالقوه درونی است که با معرفت، ایمان، عمل به شریعت اسلامی و با عبودیت و بندگی آگاهانه و مخلصانه و خاشعانه خداوند متعال بروز



می‌یابد و در دل و روح انسان، حیات و نورانیت ایجاد می‌کند و در اندیشه، اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی تجلی می‌نماید.

با این اندیشه، از بیل زدن یک کشاورز در مزرعه گرفته تا چشم‌پوشی از میلیاردها ثروت در راه خدمت به انسان‌ها - که نهال‌های باغ خداوندی‌اند-، از مطالعه یک سطر دانش برای رسیدن به قوانین واقعی هستی گرفته تا تلاش برای پاسداری از مرزهای ایدئولوژیک نظام اسلامی، از کارگری برای تأمین معیشت و از مدیریت صحیح کارفرما گرفته تا خانه‌داری و بچه‌داری زنی در خانه، همه و همه با شرط قصد قرب الهی، عبادت معبود یگانه است و سبب افزایش معنویت است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عمل به فرمان شب‌زنده‌داری (طه: ۱-۴ و اسراء: ۷۹)، آن‌قدر اهتمام داشت که قدم‌های مبارکش متورم می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۶: ۲۸۸). این مداومت چنان بود که حضور در صحنه‌های بحرانی‌ای همچون جنگ بدر نیز آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از توجه شبانه به عالم بالا بازمی‌داشت، بلکه اهتمام حضرت را بیشتر می‌ساخت (ر.ک. دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۲۳۹).

## ۲-۲. اخلاق

اخلاق در لغت به معنای دین، سرشت و سجیه به کار رفته است (ر.ک. حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۶: ۳۳۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۴: ۱۹۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۱۴۷۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۹).

اندیشمندان در اصطلاح، کیفیتی نفسانی را که ثابت و مستمر در نفس است، ملکه می‌نامند. به این حالت نفسانی که هیئت راسخه در نفس شده، آنگاه که مقتضی صدور فعل انسانی بدون تفکر و محاسبه است، خلق گویند (مسکویه، بی‌تا: ۵۷-۵۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹ ق: ۵۴؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۰۱). امام خامنه‌ای<sup>(مدظله)</sup> تعبیر ساده‌ای را در تفسیر اخلاق برگزیده است: «(اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است)» (فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب). تعریف پیشین، هر دو شق اخلاق را از خوب و زشت دربرمی‌گیرد؛ اما بدین بیان، مراد از اخلاق آنگاه که مطلق بیاید، تنها اخلاق فضیلت است.

### ۳-۲. بیانیه گام دوم انقلاب

در آغاز چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف ۴ دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحفاده است، نزدیک خواهد کرد.

### ۴-۲. انقلاب اسلامی

انقلاب<sup>۱</sup> در نگاه اندیشمندان اسلامی گاه به‌تئهایی مدنظر است، چنانکه شهید مطهری در تعریف انقلاب می‌نویسد: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس، ریشه‌های انقلاب دو چیز است؛ یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب» (مطهری، نرم‌افزار، ج ۲۴: ۱۳۹).

گاهی ناخودآگاه با قید مکتبی و ارزشی بدان نگریسته می‌شود، چنانکه شهید آیت‌الله صدر، انقلاب را جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی می‌شمارد که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰).

یکی از نمونه‌های انقلاب ارزشی که تعریف فوق بر آن منطبق است، انقلاب اسلامی ایران است؛ انقلابی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی و برآمده از آرمان‌های اسلام، انقلابی که نظام مرتجع و وابسته به بیگانه را سرنگون کرد و سبب تحول بنیادین در آرمان‌ها شد.

۱. هانا آرنه پیشینه تاریخی کاربرد واژه انقلاب از فضای علمی به فضای سیاسی را چنین ترسیم می‌کند: «واژه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است، آنگاه که کپرنیک با نظریه خورشیدمرکزی منظومه شمسی سبب انقلابی بزرگ در علوم طبیعی، بلکه در نگاه انسان به هستی شد. این واژه در سده هفدهم میلادی (۱۶۶۰ م) برای نخستین بار برای بیان دگرگونی سیاسی یک جامعه به کار رفت و در مرحله بعدی، گذر از عصر کشاورزی به عصر صنعتی انقلاب نامیده شد» (آرنه، ۱۳۶۱: ۳۶).

نقش معنویت و اخلاق در تمدن نوین اسلامی: اگر اخلاق به همان معنایی که اسلام طلب می‌کند -نه معنای سکولار آن- در جامعه اسلامی نباشد، تضاد اسلامی نامیدن جامعه و نبود رنگ معنویت اصیل در آن، خود به مزاحمی برای پیشرفت بدل خواهد شد؛ آنگاه، انسان همه واقعیات و ارزش‌ها را در خدمت خود طبیعی و من حیوانی می‌بیند و علم، هنر، شرف و حیثیت انسانی، مذهب، حقوق، سیاست، و نیز فرهنگ و تمدن را در راستای اهداف و اغراض نفسانی و تمتع مادی ارزیابی می‌کند -که اگر در مواردی با این انگیزه‌های نفسانی همسو نگردند، به کناری نهاده می‌شوند- و نمادهای تمدن را وسایل اشباع غرایز و خواسته‌های خود طبیعی می‌پندارد.

معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبود آن، حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد (فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب). هدف بلندمدت و انگیزه‌بخش جامعه، پیشروی انقلاب اسلامی به سوی ایجاد تمدن اسلامی است. داعیه ما ایجاد تمدنی است که یکی از مؤلفه‌های مهم آن معنویت و اخلاق و اتکا به خدا، وحی الهی و تعلیم و هدایت الهی است. امروز اگر یک چنین تمدنی را ملت‌های اسلامی بتوانند پایه‌گذاری کنند، بشر سعادت‌مند خواهد شد (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۹۱/۴/۳۱).

### ۳. گفتمان‌سازی؛ راهبرد اصلی نظام اسلامی در بسط معنویت و اخلاق

راهبرد اصلی نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه راهبرد «گفتمان‌سازی معنویت» است. شکل‌گیری معنویت و اخلاق هم‌تراز با آرمان‌های انقلاب اسلامی به معنای شکل‌گیری گفتمانی است جریان‌ساز که سبب بالندگی و رشد اهل ولایت و علت خشم دشمن است.

(و مَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ) (فتح: ۲۹)؛ «و اما توصیف‌شان در انجیل همانند زراعتی است که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود



ایستاده است و به قدری رشد و نمو کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد.»

مراد از نظام اسلامی، مهندسی و شکل‌گیری طرح کلی اداره جامعه با هویت اسلامی است؛ بدین بیان که منبع قانونگذاری، ملاک اجرای قوانین و ارکان تصمیم‌گیری کشور هماهنگ با ارزش‌های اسلامی تعریف شود (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای<sup>(مدظله)</sup>، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۱۳۸۰/۹/۲۱، ۱۳۸۴/۶/۸ و ۱۳۹۲/۶/۱۴).

مراد از گفتمان - در رویکرد انقلابی به آن - همه‌گیر شدن یک ارزش و یک معرفت در برهه‌ای از زمان است، به طوری که آن معرفت مورد اقبال همگان قرار گیرد و همه به آن توجه کنند (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای<sup>(مدظله)</sup>، ۱۳۸۸/۹/۲۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۱۵). گفتمان‌سازی به معنای فراگیر کردن و عمومیت بخشیدن به یک مفهوم، معرفت و اندیشه در بین مخاطبان است، به طوری که فضای فکری به وجود آمده، همه در آن فضا فکر می‌کنند و می‌اندیشند، پیرامون آن با یکدیگر حرف می‌زنند و تبادل گفتار و معنا می‌کنند، جهت‌گیری می‌کنند، به آن معتقد می‌شوند و طبق آن رفتار می‌کنند و نسبت به آن مطالبه‌گری می‌کنند و سبب تولید و توسعه دانش‌ها می‌شوند (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای<sup>(مدظله)</sup>، ۱۳۸۷/۲/۱۴، ۱۳۹۰/۷/۱۳ و ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

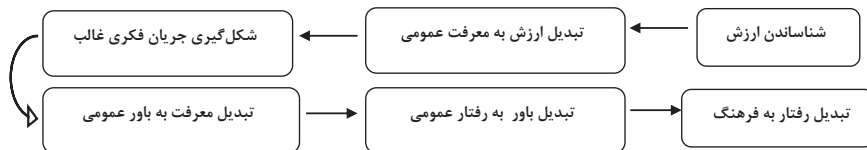
گفتمان‌سازی نیازمند آگاهی به ارزش» با تصویرسازی صحیح، تبدیل آگاهی به معرفت عمومی با تبیین لازم عالمانه و منطقی، تبدیل معرفت به باور عمومی با تفکر و تعقل و اندرزی نیکو و زبانی خوش، تبدیل باور به رفتار با ارائه الگوی عملی و تبدیل رفتار به فرهنگ با استمرار و تأکید بر مراحل پیشین و مطالبه‌گری است که به‌واسطه آن، ارزش مدنظر در جامعه هدف به گفتمان غالب تبدیل شده، همت و عزم آن‌ها را راسخ کند و زمینه را برای تحقق ارزش و اندیشه فراهم سازد (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای<sup>(مدظله)</sup>، ۱۳۸۸/۹/۲۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

مجموع این مراحل را می‌توان در حدیث گهربار حضرت امیرالمؤمنین، علی<sup>علیه‌السلام</sup> یافت که می‌فرماید: «الْعُقُولُ أَيْمَةٌ الْأَفْكَارِ وَالْأَفْكَارُ أَيْمَةٌ الْقُلُوبِ وَالْقُلُوبُ أَيْمَةٌ الْحَوَاسِّ وَالْحَوَاسُّ أَيْمَةٌ الْأَعْضَاءِ (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۹۶)؛ عقل‌ها پیشوایان فکرها و اندیشه‌ها هستند و فکرها پیشوایان دل‌ها و دل‌ها پیشوایان حس‌ها (درک کردن و دریافتن) و حس‌ها پیشوایان اعضا و اندام‌ها هستند».





فرایند گفتمان‌سازی را می‌توان به صورت زیر طراحی نمود:



گفتمان‌سازی معنویت در چهارچوب این فرایند بدین صورت است:

۱. شناساندن، تابلو کردن و بر سر دست بلند کردن ارزش‌ها، تا جامعه هدف فهم و درک صحیحی از ارزش‌ها پیدا کرده، آن‌ها را از ضد ارزش‌ها تمییز دهد، چنانکه در مفهوم‌شناسی، تعریفی روشن از معنویت اصیل و شاخص‌هایی برای تفکیک آن از معنویت غیراصیل ارائه شده است.

۲. تبدیل آگاهی به معرفت عمومی، معرفتی عمیق، زنده، پویا و اثرگذار. برای آنکه آحاد جامعه شناختی ژرف (معرفت) از معنویت بیابند، چاره‌ای جز تبیین عالمانه منطقی نیست؛ برای نمونه، مولای متقیان، علی علیه السلام اهل معنویت و یاد خدا را این‌گونه وصف می‌کند و تصویری شوق‌انگیز از ارتباط و نزدیکی با پروردگار ارائه می‌فرماید: «برای یاد خدا اهلی هست که ذکر را به جای دنیا برگزیده‌اند و هیچ دادوستدی آن‌ها را از یاد خدا بازمی‌دارد. با ذکر او روزگار خود را سپری می‌کنند و پیوسته پیرامون حرام‌های خدا به غفلت‌زدگان هشدار می‌دهند. به عدالت امر می‌کنند و خود پایبند به آنند و از زشتی بازمی‌دارند و خود گرد آن نمی‌گردند. گویا از دنیا عبور کرده و وارد آخرت شده‌اند و پسادنیا را مشاهده می‌کنند!» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق: ۴۳۴).

۳. تبدیل معرفت به باور عمومی که در پرتو تفکر و ذکر پیامدهای نبود یک گفتمان در جامعه امکان‌پذیر است. برای اینکه «معنویت» از مرحله معرفت و دانش صرف خارج شود و به باور افراد تبدیل شود، از این راهکار استفاده می‌شود، چنانکه امام خامنه‌ای مدظله العالی به برخی از تبعات فقدان معنویت در جوامع اشاره می‌کند تا مخاطبان را به تفکر وادارد تا مطلوبیت این ارزش را دریافته، آن را با تمام وجود بپذیرند و مطالبه کنند: «این جنگ‌ها، استکبارها، ظلم‌ها، شکاف‌های طبقاتی، غارت ثروت ملت‌ها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است، همه بر اثر نبود معنویت است. این فسادها و احساس



- پوچی‌ها و هرزه‌گرایی‌هایی که در بین نسل‌های گوناگون انسان در سطح دنیا دارد مشاهده می‌شود، همه بر اثر کمبود معنویت است» (بیانات در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۲۷).
۴. گفتمان‌سازی، تبدیل باور به رفتار عمومی با استفاده از ظرفیت اثرگذاری نخبگان و خواص جامعه و ارائه الگوی مناسب؛ برای نمونه، با ارائه الگوهایی از معنویت در دفاع مقدس می‌توان به بسط معنویت در جامعه دل بست.
۵. تبدیل رفتار به فرهنگ. یادآوری پیایی ارزش‌ها در تبلیغ خوبی‌ها راه تبدیل رفتار به فرهنگ است.
- برای گفتمان‌سازی، ترفندهای متعددی را می‌توان تعریف کرد. در ادامه به برخی از این ترفندها اشاره می‌شود.

### ۱-۳. حذف گفتمان‌های معارض

یکی از ترفندهای مهم در گفتمان‌سازی، حذف گفتمان‌های معارض (پارازیت‌ها) است. پارازیت‌ها، یعنی عوامل مخلی که یک ارتباط مؤثر را ناکارآمد می‌سازند. این عوامل، موانع برقراری ارتباط سازنده در سطح خرد و کلانند. با وجود پارازیت‌ها، پیامی که قرار است طی فرایند انتقال - با تبلیغ چهره به چهره، سخنرانی، روضه‌خوانی، مشاوره یا تدریس، حلقه‌های دینی یا با یاری رسانه‌ها مانند رادیو، تلویزیون، کتاب یا روزنامه یا با طی روند قانونی - آگاهی‌بخش آحاد جامعه باشد، به شکل صحیح و مناسب به ایشان نمی‌رسد.

پارازیت‌های گفتمان‌سازی، در واقع همان گفتمان‌های معارض‌اند؛ برای نمونه، وقتی از معنویت اصیل سخن به میان می‌آید، عرفان‌های نوظهور، پارازیت و مانع نهادینه شدن معنویت در جامعه و سبب نفوذ فرهنگی دشمن هستند. معنویت اصیل، رقبایی از معنویت انحرافی دارد که به اصول معنویت اصیل و آسمانی پایبند نیستند. این جمع دورافتاده از معنویت اصیل را در جرگه «معنویت انحرافی» جای می‌دهیم (ر.ک. حمیدیه، ۱۳۹۲: ۲۹-۵۰). مکاتبی مانند تائوئیسم، هندوئیسم و بودیسم، متدهایی قدیمی برای رهایی انسان از درد بی‌معنایی زندگی‌اند و عرفان‌های نوظهور، شکل بدیع این حیرت‌زدگی‌اند (برای توضیح بیشتر ر.ک. الهام‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۵).

- معنویت‌های نوپدید و انحرافی دارای ویژگی‌های مشترکی از این دست هستند:
۱. بهره‌برداری از اصول معنویت کهن که با اصول مدرنیته سازگار باشد؛
  ۲. سازگاری با روال عادی زندگی؛
  ۳. آسان نشان دادن مبانی معرفتی و عملی و نیاز نداشتن به ریاضت‌های دشوار شرعی؛
  ۴. استفاده از بهترین روش‌های بیانی، مانند ادبیات و هنر؛
  ۵. فراهم ساختن آرامش موقت؛
  ۶. درون‌گرایی و ستم‌پذیری و پذیرش نظام سلطه (ر.ک. نگارش، ۱۳۹۰).

### ۳-۲. نبرد نامتقارن

مراد از نبرد نامتقارن، مبارزه نرم فرهنگی با مفاهیم خودی در زمین غیرخودی یا اقدام مناسب با گفتمان خودی در سرزمین غیرخودی است. گفتمان‌های معارض از ابزارهایی برای تبلیغ باورهای غلط خویش بهره می‌برند که گستردگی دامنه، به‌روز بودن و بهره‌مندی از جاذبه‌های مادی از ویژگی‌های آن است. با این حال، مروجان معنویت اصیل در این تقابل فرهنگی از ابزاری برخوردارند که در عین سادگی، برنده و گیرا و نافذ است و این ابزارها را دشمن ندارد، مثل رابطه معنوی آحاد جامعه با ولایت، مفهوم ژرف شهادت، مظلومیت شهادت طفل شش ماهه در کربلا، انتظار ظهور و جریان پیاده‌روی اربعین حسینی.

نمونه‌ای از جنگ نامتقارن، حماسه‌ای است که شهید «محسن حبیبی» خلق کرد. وی با قاعده خودی و اصل ولایت‌مداری و ثبات قدم در باور در زمین دشمن نقش شایسته خویش را به ثمر رساند و شهادت‌طلبی را در جامعه یک‌بار دیگر - و این بار با درکی والا از شهادت و از حماسه کربلا - گفتمان‌سازی نمود.

یکی دیگر از نمونه‌هایی که در نبرد نامتقارن کارآمد است، ایجاد رابطه معنوی و درس‌آموز با شهدا و ارائه اندیشه ایشان و سعی در ایجاد رابطه عاطفی و واقعی جوانان با شهیدان است. این راهکار در واقع نوعی شاخص‌سازی برای همه‌گیر شدن گفتمان شهادت است.



### ۳-۳. شاخص‌سازی

تنها با شاخص و معیار مصوب است که می‌توان وضع موجود را سنجید و فاصله آن با وضع مطلوب را حدس زد و برای رسیدن به وضعیت استاندارد برنامه ریخت. روند شاخص‌سازی به گونه‌های مختلف ممکن است. یکی از رویه‌های شاخص‌سازی برای گفتمان‌سازی معنویت، ارائه شاخص کمی به جای مفاهیم کیفی است. هرچند شاخص‌سازی کیفی به راحتی ممکن نیست؛ ولی نمی‌شود از این واقعیت چشم پوشید که پایش و اندازه‌گیری بدون شاخص‌سازی امکان ندارد. می‌توان میزان پابندی آحاد جامعه به شایستگی‌های دینی را با سنجه‌هایی آماری به دست آورد و برای رسیدن به وضع مطلوب، الگوی مناسب و کالک عملیاتی را طراحی نمود و نیز می‌توان از این سنجه‌ها برای تشخیص میزان مشارکت عموم در گفتمان دینی بهره برد و به برنامه‌ریزی پرداخت.

رویه دیگر در شاخص‌سازی برای بسط معنویت در جامعه، ارائه الگوهای برتر است؛ برای نمونه، معرفی الگوهای دفاع مقدس، یاری‌رسانی به گفتمان‌سازی معنویت در جامعه است، چنانکه امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در امکان‌الگوگیری نسل جوان از شهدا می‌فرماید:

«سعی کنید چهره شهدا را آنچنان که هست، برای جوان‌های امروز روشن کنید. این نمادها می‌شوند الگو برای جوان و این به آنجا منتهی بشود که جوان‌ها بتوانند در بین این چهره‌هایی که معرفی شده‌اند و نشان داده شده‌اند، برای خودشان الگو انتخاب کنند، به آن‌ها دل ببندند و راه آن‌ها را دنبال کنند؛ کما اینکه الآن ملاحظه می‌کنید در بین شهدایی که اسمشان آورده شده و کتاب درباره‌شان نوشته شده و مانند این‌ها، همین حالت [برای جوانان] به وجود آمده. شهید چیت‌سازیان، شهید ابراهیم هادی، شهید زوایی، همه این‌ها شهدایی هستند که چون معرفی شده‌اند و چهره‌هایشان تبیین شده، مجموعه‌ای از جوان‌ها هم به این‌ها دل بسته‌اند. وقتی دل می‌بندند، راه آن‌ها را دنبال می‌کنند» (۱۳۹۸/۹/۲۵).

معرفی الگوهای دینی در تقویت بنیه دینی آحاد جامعه و ارتقاء معنویت نیز مؤثر است که در عنوان بعدی به تفصیل بیان خواهد شد، به‌ویژه در بحث الگوگیری، می‌توان با الگو قرار دادن ولایت‌مداران غریب نتیجه‌ای شگرف را انتظار داشت، چنانکه آیت‌الله رزکازی با الگو قرار دادن «جَوْن»، انقلابی عقیدتی در میلیون‌ها جوان نیجریه‌ای ایجاد کرد.



### ۳-۴. واژه‌سازی

یکی از ترندهای گفتمان‌سازی مفاهیم دینی و معنوی «واژه‌سازی» است که با هدف روح‌بخشی و ژرف‌اندیشی در مفاهیم معنوی و انقلابی به کار می‌آید. تصور و ادراک افراد از مفهوم با واژه‌هایی که ارائه می‌شود بسط و عمق می‌یابد؛ برای نمونه، مفاهیمی همچون (وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) (بقره: ۱۹۰)، (صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) (بقره: ۲۱۷)، (فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ) (نساء: ۹۵) و (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ) (حج: ۷۸) را می‌توان از جمله دال‌های گفتمان جهاد در اسلام برشمرد. مفاهیم معنوی چون تقوا، ایمان، جهاد و شهادت باید با واژه‌های گوناگون، بیان و تبلیغ شوند؛ واژه‌هایی که هر یک سطحی از آن مفهوم اصلی را برای مخاطب کشف می‌کند.

امام خامنه‌ای <sup>مدظله‌العالی</sup> در تبیین این تکنیک می‌فرماید: «یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که براساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القا می‌کند؛ لذا، این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد. اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند (۱۳۹۰/۷/۲۲).

یکی از چاره‌های پیشبرد این تکنیک، به‌ویژه در مباحث روز، بهره‌گیری از توان کلیدواژه‌ها در سخنان امام خامنه‌ای <sup>مدظله‌العالی</sup> است که همچون استراتژیستی زبردست، مفاهیم مناسبی را تولید و به فرهنگ جامعه تزریق می‌کند، مثل کلیدواژه‌های «بصیرت دینی» و «آتش به‌اختیار» (ر.ک. سالاری، ۱۳۹۶).

### ۴. راهبردهای فرعی نظام اسلامی در بسط معنویت و اخلاق

در کنار راهبرد گفتمان‌سازی، راهبردهای دیگری ارائه‌شده است که غیرمستقیم؛ اما توانمند در ارتقاء معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی مؤثرند. دو راهبرد فرعی بسط معنویت و اخلاق، تقویت بنیه دینی و تقویت نظام آموزشی است. هم‌پوشانی عنوان‌ها محل اصل بحث نیست؛ برای نمونه، نگارنده آگاه است که تقویت بنیه دینی آحاد جامعه بدون گفتمان‌سازی و



بدون الگوگیری از بزرگان دینی ممکن نیست؛ اما در اینجا سخن بر سر این است که معنویت اصیل جز با تقویت بنیه دینی تحقق‌پذیر نیست؛ چراکه عرفان عملی و سلوک معنوی جز با عمل به شریعت و پایبندی به اصول دین شدنی نیست.

#### ۱-۴. تقویت بنیه دینی آحاد جامعه اسلامی

رسیدن به معنویت اصیل و ارتقاء آن در سطح جامعه با تقویت بنیه دینی در دو زاویه درک مفاهیم دینی و سلوک عملی ممکن است؛ برای نمونه، درک واقعی از توحید و آگاهی از تأثیر آن در زوایای زندگی سبب می‌شود باور به توحید در گوشه‌گوشه زندگی نقش‌آفرین و معنویت‌افزا باشد؛ از سویی دیگر، پایبندی به احکام شرعی و همگانی شدن این رویه در جامعه از جمله رعایت حجاب اسلامی، حرمت‌گذاری به ماه رمضان، حضور نسل جوان در اعتکاف و فعالیت در ارودهای جهادی سبب گرایش روزافزون به معنویت و دلبستگی به اصول اخلاقی خواهد شد. از نظر متون دینی، تنها راه رسیدن به سعادت و عرفان واقعی، عمل به شریعت و احکام اسلامی است. علامه طباطبایی<sup>قدس سره</sup> در این باره می‌نویسد: «اینکه انسان راهی برای رسیدن به حقایق و باطن دین دارد، درست است؛ ولی راو آن به کار بستن درست و شایسته همین ظواهر دینی است، البته آن طوری که حق به کار بستن است، نه به هر طوری که دلمان بخواهد و حاشا بر حکمت پروردگار که حقایقی باطنی و مصالحی واقعی باشد و ظواهری را تشریح کند که آن ظواهر، بندگان را به آن حقایق و مصالح نرساند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۹).

یکی از راهکارهای تقویت بنیه دینی، ارائه الگوی صحیح به جامعه است. الگوگیری از بزرگان حوزوی و فحول معنوی، روشی روشن و اثربخش برای ترویج اندیشه دینی و هدایت جامعه اسلامی به سمت معنویت اصیل است. از این روش در روان‌شناسی اجتماعی به نام همانندسازی<sup>۱</sup> یاد می‌شود که در آن، نمونه‌ای از رفتار و کردار مطلوب، به صورت عملی در معرض دید شخص قرار می‌گیرد تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی مطابق با عمل نمونه را در خودش پدید آورد. شخص می‌کوشد تا خود را همانند فردی کند که به نظرش شخصیت مقبولی دارد نگرش‌ها، ویژگی‌های رفتاری و هیجان‌های او را سرمشق خود قرار دهد. این رویه برای کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه نیست، بلکه برای این است که آن فرد را پسندیده و نفوذ او را پذیرفته است (ر.ک. برگ، ج ۲: ۴۹۴؛ ارونسون، ۱۳۸۲: ۶۱-۶۲).

1. Identification.

الگوگیری از شهدای کربلا و بسط کلام به شهدای دفاع مقدس، راهکاری مناسب برای تشویق و تهییج افراد در گرایش به معنویت است. برای نمونه، این داستان عبرت‌آموز است: «[شهید] مصطفی [کاظم‌زاده] برایم ماجرای آن دختر چادری را نقل کرد: وضع مالی‌اش خوبه. کاملاً بی‌حجاب بود و با لباس‌های زننده. وقتی به خونهٔ آبی‌ام می‌اومدم، زاغ مرا چوب می‌زد و گیر می‌داد بهم. اون روز اومد جلو و عز و التماس که من عاشقت شده‌ام و واسهٔ تو می‌میرم. برای اینکه از دستش خلاص بشم، تا آبروم توی کوچه نرفته، قرار گذاشتم بعد از ظهر بیاد به پارک محله تا بینم حرف حسابش چیه؛ اما به شرطی که آرایش نکنه و چادر مشکی سرش باشه. اومد سر قرار و روی نیمکت کنارم نشست. خودم رویه کم اون‌ورتر کشیدم. دوباره اومد نزدیکم. عصبانی شدم. بلند شدم و بهش گفتم اگه می‌خوای مسخره‌بازی دربیاری، می‌ذارم میرم. تو بشین اون‌ور نیمکت و من این‌سر نیمکت. اون‌وقت حرفت رو بزن. قبول کرد. داشتم آتیش می‌گرفتم. اصلاً حرف نمی‌زد که، فقط التماس می‌کرد. اونقدر از خوشگلی من حرف زد که داشتم داغ می‌کردم. همه‌اش توی دلم صلوات می‌فرستادم که یه‌وقت گول حرفاش رو نخورم. راحت داشت ازم برای گناه التماس می‌کرد. وحشی شده بود. حرفاش که تموم شد، قبول کردم برم خونه‌شون! تا گفتم میام، از ذوقش جیغ زد و گفت که اتفاقاً، الآن هیچ‌کس خونه‌شون نیست. جدی‌جدی باورش شده بود که من میرم خونه‌شون. یه شرط براش گذاشتم. گفتم: هرکاری که تو بگی و هرکار کثیفی که تو بخوای انجامش میدم؛ اما شرط داره که همین‌الآن چشمت رو ببندی و فکر کنی الآن فردا صبحه و من دارم میرم پیش بچه‌های محل تا براشون تعریف کنم که تو چه راحت التماس کردی و منم با تو چیکار کردم. جا خورد. گفت این که بی‌عرفتیه. گفتم این کار کجاش بامعرفتیه که اینجاش بی‌عرفتی باشه؟! گناه و فساد همه‌اش همینه. دوست دارم پیش دوستام پُز بدم که چی شد. زد زیرگریه که من عاشقتم. گفتم این عشق نیست که توش التماس کنی که باهات تنها باشم. بعد از اون کار دیگه نه من واسه تو ارزش دارم نه تو برای من...»

بعد از شهادت مصطفی، خواهرش می‌گفت: از روزی که مصطفی شهید شده، یه دختر چادری میاد پشت در خونهٔ ما و جلوی عکس مصطفی روی در می‌ایسته و گریه می‌کنه. تا در رو باز می‌کنم، در میره» (داودآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۶-۱۴۱ [با تلخیص]).



راهکارهای دیگر تقویت بنیه دینی و معنوی آحاد جامعه عبارتند از: تقویت غیرت دینی، تهییج حماسی و حسینی آحاد جامعه اسلامی، تقویت روحیه توسل به ولی خدا که لنگرگاه آسمان و زمین است، تقویت روحیه انتظار، به گونه‌ای که ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دم‌به‌دم دغدغه آحاد مؤمنان باشد (که تبیین این مباحث مجال دیگری می‌طلبد).

خلاصه‌ای از راهکارهای تقویت بنیه دینی آحاد جامعه در دو کلیدواژه خودسازی و کادرسازی متصور است. درباره کلیدواژه خودسازی به همین بسنده می‌شود که هرکس پیش و بیش از آنکه در اندیشه اصلاح دیگران باشد، باید به رشد معنوی خود پردازد؛ چراکه در آن صورت گمراهی دیگران ضرری را متوجه او نمی‌کند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ) (مانده: ۱۰۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مواظب خودتان باشید که در آن صورت هرکس گمراه شود، به شما زیانی نخواهد رسید».

خودسازی بر دگرسازی در جایگاه عمل مقدم است. هرکس پیش و بیش از آنکه در اندیشه اصلاح دیگران باشد، باید به رشد معنوی خود پردازد، چنانکه حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «كَيْفَ يُصْلِحُ غَيْرَهُ مَنْ لَا يُصْلِحُ نَفْسَهُ (جمال‌الدین خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۵۶۴)؛ چگونه اصلاح می‌کند غیر خود را کسی که اصلاح نمی‌کند نفس خود را؟» بسط کلام درباره خودسازی خود، نوشتاری مستقل می‌طلبد.

درباره کلیدواژه کادرسازی به همین بسنده می‌شود که هدف والای کادرسازی، تربیت نسلی است که سربازان امام زمان عجل‌الله‌اعلی‌فرجه‌الشریف در هنگام ظهور باشند، سربازانی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در وصف ایشان فرمود: «هریک از آنان اعتقاد و دین خود را با هر سختی نگاه می‌دارد، چنانکه گویی درخت خار مگیلان را در شب تاریک پوست می‌کند یا آتش پردوام و اخگری چوب تاغ را در دست نگاه دارد. آن‌ها مشعل‌های فروزان در تاریکی‌اند و خداوند آن‌ها را از آشوب‌های تیره‌وتار نجات می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۲۴؛ صفار، ۱۴۰۴، ق: ۸۴؛ نیز روایتی از امام صادق علیه‌السلام در همین مضمون، ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۱۱).



## ۲-۴. تقویت نظام آموزشی

مراد از نظام آموزشی در این نوشتار تمام نهادهای مؤثر در امر تربیت دینی است، از خانواده و مدرسه و دانشگاه و حوزه علمیه گرفته تا صدا و سیما و رسانه‌های جمعی. نهادینه‌سازی آرمان‌های دینی در سطح جامعه و پویا کردن آحاد جامعه برای ارتقاء معنوی نیازمند برنامه‌ریزی توانمند، اجرای مناسب و نیز مطالعات آسیب‌شناسانه است. آسیب‌شناسی بدین جهت اهمیت می‌یابد که براساس آن، راهکارهای پیشگیری از آسیب و تقویت نظام آموزشی ارائه می‌شود و مسیر نفوذ نارسایی‌ها، خودکامگی‌ها و دشمنی‌ها سد می‌شود. دو نمونه از نقاط ضعف نظام آموزشی عبارتند از: دشواری القاء مفاهیم دینی مثل مفهوم خدا و وجود پرازیت‌ها.

دشواری القاء مفاهیم دینی به بحث دشواری شاخص‌سازی مفاهیم کیفی برمی‌گردد که توضیح آن گذشت. راهکار شاخص‌سازی، تحلیل مفاهیم به مفاهیم کاربردی و سنجه‌ها است؛ برای مثال، یکی از مفاهیم ناب معنوی، ولایت‌مداری است و این مفهوم در پیوند با مفهوم اطاعت‌پذیری (سرسپردگی) و محبت‌ورزی (دلبستگی) است. هریک از این دو، مصداق برتر و نمونه عالی دارند که دیگران با آن سنجیده می‌شوند. محبت به ولی خدا و تقویت روحیه سبقت در فرمانبرداری از امام حق تا آنجا می‌رسد که از تصور اینکه بعد از ولی خدا بماند، بر خود می‌لرزد، چنانکه یاران امام حسین علیه‌السلام چنین بودند که حتی وقتی امام علیه‌السلام امر را از گردن آن‌ها برداشت و فرمود: «أَلَا وَ إِنِّي قَدْ أَذْنْتُ لَكُمْ فَأَنْطَلِقُوا جَمِيعاً فِی حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي ذِمَامٌ هَذَا اللَّیْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَأَتَّخِذُوهُ جَمَلاً؛ آگاه باشید! به همه شما اذن دادم که برخیزید و بروید، بدون اینکه هیچ بیعتی از من بر شما باشد. شب فرا رسیده است؛ آن را غنیمت شمارید.» عرضه داشتند که یعنی آیا ما بعد از شما نفس بکشیم؟! هیئات! (ابن‌نعمان، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۹۱).

## ۵. راهکارهای نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق

نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه می‌تواند دست به تدبیرهایی بزند که برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه راهگشا هستند. آنچه در ادامه می‌آید، سه نمونه از این تدبیرهاست و در فرصتی مغتنم می‌توان به بازشماری بیش از این موارد پرداخت.





## ۵-۱. تکرار پیام‌های معنوی

تکرار پیام معنوی و تأکید بر آن، سبب نهادینه شدن آن پیام در جامعه می‌شود. تکرار پیام برای فراگیری، گریزگاهی برای رهایی از غفلت و نیز فرصتی برای هضم پیام دریافتی است. شاید بتوان از سخن امام خامنه‌ای<sup>مدظله‌العالی</sup> که «انقلاب یک امر مستمر است» (۱۳۹۴/۶/۲۵)، بتوان به این نکته نقب زد که انقلاب مستمر به استمرار در انتقال پیام برای تربیت دینی و ولایی جامعه است، چنانکه در قرآن کریم نیز بر استمرار انتقال پیام و بهره‌گیری از طریقه موعظه و پند و اندرز تأکید شده است (ر.ک. قائمی مقدم، ۱۳۸۷). خداوند این روش را به رسول گرامی اش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌آموزد و به او فرمان می‌دهد: «مسائل را به آن‌ها یادآوری کن و پند و اندرزشان ده که این امر به حال مؤمنان مفید و مؤثر خواهد بود» (ق: ۴۵؛ ذاریات: ۵۵).

باید در جمع نیروهای اسلامی و انقلابی این رویه مستمر شود که پیام‌های معنوی برگرفته از سخنان معصوم<sup>علیه‌السلام</sup> آغازگر سخن باشد، چنانکه در روایت به این رویه توصیه شده است: «تَلَقَّوْا وَ تَحَادَّثُوا الْعِلْمَ. فَإِنَّ بِالْحَدِيثِ تُجَلَّى الْقُلُوبُ الرَّائِيَةُ وَ بِالْحَدِيثِ إِحْيَاءُ أَمْرِنَا فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۴: ۶۷)؛ به دیدن یکدیگر بروید و مطالب علمی (احادیث) را با هم گفتگو کنید؛ زیرا به وسیله حدیث، دل‌های آلوده، پاک و امر ما زنده می‌گردد. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده بدارد».

و نیز بهره‌گیری از وصایای شهیدان و سخنان بزرگان در انس با خداوند متعال و کسب آزادی معنوی به صورت دیوارنویس یا بروشور و برگزاری مسابقه‌های کتابخوانی و متن‌نویسی با موضوع سبک زندگی ولی خدا نمونه‌هایی از اقدام برای این انقلاب مستمر معنوی است. در این پیام‌رسانی به دو نکته توجه شود؛ نخست اینکه گاه بازخوانی طرح و بازخوردگیری از صحنه اجرا نشان از ناکارآمدی آن رویه یا بازخورد منفی دارد. در این صورت، بر اجرای همان رویه اصرار نکنید که گزیدگی از یک سوراخ به دو بار است و مؤمن از آن مبرا است «لَا يُلْسَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرْتَبَيْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۵۳). دوم اینکه گاه پیام‌رسانی مستقیم اثر مدنظر را ندارد. بهترین رویه در این زمان، هدف‌گیری ضمیر ناخودآگاه است؛ بدین بیان که ظاهر آنچه برای شنونده یا بیننده رخ می‌نمایاند، درباره امر دیگری است و پیام معنوی غیر مستقیم القا می‌شود، بر ضمیر ناخودآگاه می‌نشیند و بر ذهن ته‌نشین می‌شود.



## ۲-۵. مسیریابی چشمه‌ای

بنابر این ایده، معنویت باید از قله بجوشد و آن‌ها که خود پیام‌آور معنویتند، باید در معنویت پیش‌رونده باشند. ایده مسیریابی چشمه‌ای برگرفته از این سخن امام خامنه‌ای<sup>مدظله‌العالی</sup> است که برای نهادینه کردن معنویت در نهاد سپاه فرمود: «شما می‌توانید این توجه به معنویت را مثل آبخاری در پادگان و در مجموعه خودتان بریزید. از شما باید سرریز شود ... باید از قله بجوشد و پایین بیاید ... شما باید معنویت را بجوشید تا از شما سرریز و لبریز شود و به دیگران بریزد و دیگران فیض ببرند. اگر این کار را کردید، سپاه ساخته و کامل خواهد شد» (۱۳۷۷/۲/۱۸).

بیان ساده این ایده در این دو ضرب‌المثل گنجانده شده است: «آب سربالایی نمی‌رود» و «آب مسیر خود را پیدا می‌کند»؛ بدین ترتیب، باید مدیران و مسئولان و بزرگان و خواص جامعه اسلامی و نیز مرییان، مبلغان و والدین در تکاپو برای رسیدن به معنویت پیش‌رو باشند.

## ۳-۵. نظارت همگانی

امر به معروف و نهی از منکر «سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ؛ راه انبیا و شیوه صالحان» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۹: ۴۸۲) است. تعبیر نظارت همگانی به جای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر به این سبب است که نظارت به معنای «مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد» (ر.ک. محسن شیخی، ۱۳۹۰: ۱۳؛ سیدرضی و برزگر، ۱۳۹۵: ۲۹) آمده است. باید آرمان انقلاب در معنویت به‌درستی و بادقت در آیات و روایات و سخنان امامین انقلاب ترسیم شود و راهی که رفته‌ایم، با آن آرمان سنجیده شود؛ آنگاه، می‌توان برای آینده معنوی انقلاب و بسط معنویت و اخلاق در جامعه برنامه‌ریزی کرد.

برای درک وضعیت موجود، پارامترهای ذیل می‌تواند معیار شناسایی وضع معنوی جامعه باشد:

۱. میزان اهتمام آحاد جامعه به دفاع از دین و ارزش‌های دینی، درصد واکنش به انحرافات اعتقادی و میزان همت در سازگاری باورهای خویش با مبانی اعتقادی اسلام؛
۲. میزان اهتمام به دفاع از نظام ولایی و میزان تلاش در سازگاری رفتارهای خود با فرمان‌های ولی خدا؛



۳. میزان راستگویی و راست‌کرداری و میزان پابندی و عمل به وعده‌های خود؛
  ۴. میزان تقید به امر به معروف و نهی از منکر؛
  ۵. میزان انس با قرآن و دعا، میزان اهتمام به شرکت در مناسبت‌های دینی و انقلابی و میزان احترام به پیشکسوتان ایثارگری؛
  ۶. میزان رعایت عفت در رفتار و گفتار و پوشش؛
  ۷. میزان اهتمام به معاشرت با افراد مؤمن و انقلابی، میزان تقید به اجتناب از افراد فاسق و محیط آلوده به گناه؛
  ۸. میزان اهتمام به رعایت حقوق دیگران، خدمتگزاری و وجدان کاری؛
  ۹. میزان رعایت عدالت و انصاف در فرصت‌های اجتماعی پیش رو؛
  ۱۰. میزان بردباری و سعه صدر در ارتباط با دیگران، میزان استقامت در انجام مسئولیت اجتماعی و میزان انتقادپذیری؛
  ۱۱. میزان رعایت آداب نظامی، آراستگی ظاهری، حضور به موقع و میزان اهتمام به تشویق دیگران به نظم و انضباط؛
  ۱۲. میزان ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری، میزان برخورداری از روحیه قناعت و مناعت طبع، میزان فروتنی و تواضع؛
  ۱۳. میزان توجه به خانواده و میزان ترغیب و هدایت خانواده به اصول معنوی انقلاب.
- این‌ها و بیش از این‌ها می‌تواند ملاک خوبی برای تنظیم پرسش‌نامه و تعیین میدانی و مستند به آمار وضع معنوی جامعه باشد؛ آنگاه، می‌توان به تصمیم‌ها و اقدام‌های مناسب چشم دوخت. این رویه باید مستمر در برآورد معنویت جامعه انجام شود.

## نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این نوشتار آمده است، می‌توان نکاتی به این ترتیب برداشت کرد:

۱. مراد از معنویت، برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه است و مراد از اخلاق، رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی و دیگر خلیات نیکو است و مراد از انقلاب اسلامی، انقلابی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی و برآمده از آرمان‌های اسلام است که نظام مرتجع و وابسته به بیگانه را سرنگون کرد و سبب تحول بنیادین در آرمان‌ها شد.
۲. راهبرد اصلی نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه، راهبرد «گفتمان‌سازی معنویت» است که در پنج گام تعبیه شده و با تکنیک‌هایی چون حذف گفتمان‌های معارض، شاخص‌سازی و واژه‌سازی امکان تحقق دارد.
۳. گفتمان‌سازی معنویت نیازمند آگاهی به ارزش با تصویرسازی صحیح، تبدیل آگاهی به معرفت عمومی با تبیین لازم عالمانه و منطقی، تبدیل معرفت به باور عمومی با تفکر و تعقل و اندرزی نیکو و زبانی خوش و تبدیل باور به رفتار با ارائه الگوی عملی و تبدیل رفتار به فرهنگ با استمرار و تأکید بر مراحل پیشین و مطالبه‌گری است.
۴. راهبردهای فرعی نظام اسلامی در بسط معنویت و اخلاق، تقویت بنیه دینی آحاد جامعه اسلامی [با الگوگیری، تقویت غیرت دینی، تهییج حماسی و حسینی آحاد جامعه اسلامی، تقویت روحیه توسل به ولی خدا و تقویت روحیه انتظار است که در دو راهکار خودسازی و کادرسازی خلاصه می‌شود] و تقویت نظام آموزشی [با سد راه نفوذ دشمن و رفع آسیب‌های نظام آموزشی] است.
۵. برخی راهکارهای نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی عبارتند از: انقلاب مستمر و تکرار پیام‌های معنوی، جوشش معنویت از قله‌ها و کشف وضعیت معنوی کنونی و برنامه‌ریزی برای آینده معنوی انقلاب.



## سخن پایانی و ارائه پیشنهاد

در برخی از بندهای نوشتار پیشنهادهایی ارائه شدنی است؛ اما بسط سخن در این مجال و در این نوشتار نبود؛ از این رو، فهرستی از آنچه می‌تواند در تقریر دیگری مدنظر پژوهشگران باشد ارائه می‌شود:

۱. در بحث از انقلاب اسلامی بیان شد که معنویت و اخلاق در شکل‌گیری تمدن اسلامی مؤثر است. برخی از آثار گرایش به اخلاق و معنویت در رسیدن به تمدن اسلامی عبارتند از: معنابخشی به زندگی و زدودن احساس پوچی، معقول و متعالی بودن زندگی اخلاقی، احساس مسئولیت و تعهدبخشی به فرد و جامعه، آرامش روحی و نشاط معنوی، کرامت‌بخشی به جامعه بشری، هدفمندی زندگی و حیات طیبه که در این نوشتار مجالی برای بحث از آن‌ها نیست.

۲. در بحث حذف گفتمان معارض از معنویت اصیل سخن رانده شد. شاخص‌های معنویت اصیل از این قرار است: ایمان و عمل صالح توأمان (عصر: ۲-۳؛ فاطر: ۱۰)، آخرت‌باوری و استخدام دنیا (برای نمونه، ر.ک. حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷: ۲۹-۳۰؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ ق: ۱۹۰)، قناعت (برای نمونه، ر.ک. شریف رضی، ۱۴۱۴ ق: ۵۰۸-۵۰۹)، حیات طیبه (نحل: ۹۷) و حکومت دینی (مائده: ۴۴). بسط کلام در این شاخص‌ها مجالی دیگر می‌طلبد.

۳. در بحث از پارازیت‌ها گفته شد که پارازیت‌ها عوامل مخل ارتباط مؤثرند. این عوامل می‌توانند نشان از ضعف فرستنده و نارسایی پیام، ضعف پیام در دیرفهمی آن یا ضعف گیرنده در حواس‌پرتی باشد. راهکار مقابله با پارازیت‌ها عبارتند از: ارتقاء سطح دانش، مهارت، ظرفیت و صلاحیت مربیان برای رسایی پیام و کنترل آموزشگاه و نحوه درست ارتباط با فراگیر، ارتباط سطح وسایل ارتباطی و به‌کارگیری فناوری در آموزش مفاهیم دینی برای ارسال درست و بهینه پیام و ارتقاء سطح جذابیت اخلاقی و معنوی مربیان و تسلط آن‌ها بر روش‌های بسط معروف در جامعه برای تقویت گیرایی پیام و نهادینه‌سازی پیام‌های دینی. بسط کلام در این باره مجالی دیگر می‌طلبد.

۴. بیش از راهکارهایی که برای بسط معنویت و اخلاق در بخش پایانی نوشتار بیان شد، می‌توان به راهکارهایی از این دست اشاره کرد: نهادسازی، ارائه تعریف‌های کاربردی از مبانی معنویت، اقدام به‌هنگام، بهره‌گیری از فضای مجازی و حکمت بنیادین. شرح هریک از این مقولات مجالی دیگر می‌طلبد.



## منابع

- قرآن کریم.
- آرت، هانا (۱۳۶۱). انقلاب. ترجمه عزت الله فولادوند. تهران: خوارزمی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر، دار صادر.
- ابن نعمان [شیخ مفید]، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه. قم: دار سید الشهداء للنشر، ج ۴.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۲). روان شناسی، ترجمه حسین شکرکن. تهران: رشد.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- برگ، اتوکلاین (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: علمی و فرهنگی.
- جمال الدین خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۷). اندیشه سیاسی شهید رابع سیدمحمدباقر صدر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- جوهری، اسماعیل بن حمّاد (۱۴۰۷ ق). الصّحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه). تحقیق احمد عبدالغفور، عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
- حسینی طهرانی [علامه]، سیدمحمدحسین (۱۴۲۸ ق). امام شناسی. مشهد: علامه طباطبایی، ج ۹.
- حق شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر هزاره. تهران: فرهنگ معاصر.
- حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۲). «جنبش های نوپدید معنوی، دین یا عرفان؟!». ادیان و عرفان. س ۴۶، ش ۱، ص ۲۹-۵۰، بهار و تابستان.
- داودآبادی، حمید (۱۳۹۲). دیدم که جانم می رود. قم: مجد اسلام.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ق). إرشاد القلوب إلى الصواب. قم: شریف رضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت-دمشق: دار القلم-الدار الشامیه.



- سالاری، محمد مهدی (۱۳۹۶). «جایگاه واژه‌سازی و نهادسازی در تأسیس تمدن بزرگ اسلامی». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله). دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=23036>
- سیدنژاد، سیدرضی و یعقوب برزگر (۱۳۹۵). احکام نظارت و بازرسی براساس فتاوی‌ای امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). قم: زمزم هدایت.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق.). نهج البلاغه. تصحیح صبحی صالح. قم: هجرت.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق.). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی‌الله‌علیهم. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- علی‌زمانی، امیرعباس (۱۳۸۶). «معنای معنای زندگی». نامه حکمت. س ۵، ش ۱۰، ص ۵۹-۸۹.
- قائمی‌مقدم، محمدرضا (۱۳۸۷). «روش تربیتی تذکر در قرآن کریم». دو فصلنامه تربیت اسلامی. س ۳، ش ۶، ص ۵۷-۹۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق.). بحارالأنوار الجامعه لدررالآخبار الاثمه الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محسن شیخی، علی اصغر (۱۳۹۰). نظارت و بازرسی. قم، زمزم هدایت.
- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، برگرفته از نرم‌افزار مجموعه آثار شهید مطهری. قم: علوم کامپیوتری نور.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۴). المنجد. تهران: ایران، چ ۷.
- نگارش، حمید (۱۳۹۰). فرقه‌های نوظهور. قم: زمزم هدایت.
- الهام‌نیا، علی اصغر (۱۳۹۰). معنویت اسلامی (چربی، چیستی و چگونگی). قم: زمزم هدایت.

